

ایستادشهر

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳

چو یا جهانش بخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شهسوار | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدري | علی ایمانی ایمنی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل دژه | امید طبیب زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنجان «بشیر» می آید | مقتل الحسین (ع) ابوحاتم، محمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه های شکسته (۱۰)

یادداشت های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت های شاهنامه (۸) | چاپ نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعد الطبیعه ارسطو اثر شرف الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

رباعیات شهرآشوب حسن دهلوی

سید علی میرافضلی

| ۶۵ - ۷۸ |

۶۵

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

چکیده: امیر نجم‌الدین حسن دهلوی (د. ۷۳۸ ق.) از پارسی‌سرایان نامدار هند به شمار می‌رود. دیوان او که شامل قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیات است، چند نوبت در هند و ایران چاپ شده است. در دیوان او بنا به آنچه ما مجسته‌ایم، ۱۶۶ رباعی وجود دارد که در میان آنها تعدادی رباعی شهرآشوب دیده می‌شود. شهرآشوب شعری است که موضوع آن وصف مشاغل و صاحبان حرفه باشد و در قالب شعر عاشقانه سروده شده باشد. شادروان احمد گلچین معانی در کتاب شهرآشوب در شعر فارسی که به همین نوع اشعار اختصاص دارد، متذکر رباعیات حسن دهلوی نشده و جای رباعیات این شاعر در آن تحقیق و پژوهش‌های دیگر خالی است. در نوشتار حاضر، هفده رباعی شهرآشوب حسن دهلوی بر اساس منابع چاپی و خطی اشعار او عرضه شده است. نسخه‌های چاپی فاقد نیم بیشتر رباعیات مورد استناد ماست.

کلیدواژه‌ها: حسن دهلوی، پارسی‌سرایان هند، رباعی، شهرآشوب، احمد گلچین معانی.

The *Shahr-Āshūb* Quatrains of Ḥasan Dehlavī

Sayyed Ali Mirafzalī

Abstract: Amīr Najm al-Dīn Ḥasan Dehlavī (d. 738/1337) is counted among the renowned Persian poets of India. His *Divān*, which comprises *qasīdas*, *ghazals*, *qit'as*, and quatrains, has been published several times in both India and Iran. Based on our investigation, the *Divān* contains 166 quatrains, among which a number of *shahr-āshūb* quatrains can be identified. A *shahr-āshūb* poem is a composition describing trades and professions, typically couched in the form of love poetry. The late Aḥmad Gulchīn Ma'ānī, in his book *Shahr-āshūb dar Shi'r-e Fārsī* dedicated to this very genre, made no mention of Ḥasan Dehlavī's quatrains, and their absence is also felt in subsequent scholarship. The present study publishes seventeen *shahr-āshūb* quatrains of Ḥasan Dehlavī on the basis of both printed and manuscript sources of his poetry. More than half of the quatrains cited here are missing from the printed editions.

Keywords: Ḥasan Dehlavī; Persian poets of India; quatrain; *shahr-āshūb*; Aḥmad Gulchīn Ma'ānī.

امیر نجم‌الدین حسن بن علاء مشهور به حسن دهلوی، یکی از چند شاعر بزرگ پارسی‌سرای سرزمین هند به شمار می‌رود. حسن دهلوی، زادهٔ بدایون است، لیکن به واسطهٔ اقامت طولانی در دهلی، به دهلوی مشهور است. در برخی منابع، نسبت «سجری» در دنبالهٔ نام وی ذکر شده^۱ که نشان می‌دهد اجداد او از منطقهٔ سیستان بوده‌اند. وی بیش از هشتاد سال عمر کرد و به سال ۷۳۷ ق در شهر دیوگیر از دنیا رفت. خواجه حسن در میانسالی به حلقهٔ مریدان خواجه نظام‌الدین اولیاء پیر طریقت چشتیهٔ هند پیوست و کتاب فوائد الفؤاد را در شرح حال و ذکر سخنان این شیخ به نگارش درآورد. این کتاب، گزارشی از مجالس و ملفوظات نظام‌الدین است که از شعبان سال ۷۰۷ هجری شروع می‌شود و ختم آن در شعبان ۷۲۲ هجری است. نگارش رسالهٔ مُخ المعانی را نیز به او نسبت داده‌اند که در موضوع عشق است.^۲

مهم‌ترین اثر حسن دهلوی، دیوان اوست که مشتمل بر قصاید، غزلیات، ترجیعات، قطعات و رباعیات است و در حدود نُه هزار بیت شعر دارد و چند نوبت در هند و ایران چاپ شده است. وی در غزل‌سرایی، دارای سبک خاصی است و او را «طوطی هند» و «سعدی هندوستان» نامیده‌اند. دیوان حسن سجری دهلوی به اهتمام مسعودعلی محوی در حیدرآباد دکن منتشر شده است (۱۳۵۲ ق). کتاب، دیباچه‌ای مفصل به زبان اردو دارد و مصحح در تصحیح اشعار حسن دهلوی از پنج دست‌نویس موجود در شبه قاره بهره‌برده است. تصحیحی نیز توسط نرگس جهان صورت گرفته و بخش فارسی دانشگاه دهلی آن را به چاپ رسانده است.^۳ در ایران، دیوان حسن دهلوی به اهتمام سیداحمد بهشتی شیرازی و حمیدرضا قلیچ‌خانی انتشار یافته است (تهران، ۱۳۸۳). تصحیح مذکور بر اساس چاپ دکن و شش نسخهٔ خطی صورت گرفته است. متأسفانه با همهٔ تلاش‌های صورت گرفته، تصحیح دیوان اشعار حسن دهلوی هنوز از لحاظ دقت و جامعیت به نقطهٔ کمال خود نرسیده است.

رباعیات حسن دهلوی

دیوان حسن سجری دهلوی (چاپ دکن) ۱۱۲ رباعی دارد که دو فقرهٔ آن تکراری است:

– در عهد تو ای دوست وفایی نبود (ص ۴۱۷، ۴۲۵)

۱. نفحات الانس، ۶۰۸

۲. این رسالهٔ کوتاه به اهتمام آذرمیدخت صفوی در انتشارات انستیتوی تحقیقات فارسی دانشگاه علیگر هند به چاپ رسیده است (۲۰۰۷ م).

۳. رک. کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، ۳: ۱۷۵۰؛ ۶: ۳۵۹۲. متأسفانه این کتاب را ندیده‌ام.

– ای گاه تنم ساخته چون سوخته عود (ص ۴۲۳، ۴۳۱)

یک رباعی نیز با دو ضبط متفاوت قافیه نقل شده است:

– ماییم ز تَف غم جگر تافته‌ها (ص ۴۲۲) / جگر تافتگان (ص ۴۲۹)

با احتساب این موارد، تعداد رباعیات چاپ دکن به ۱۰۹ رباعی می‌رسد. از این ۱۰۹ رباعی، دو رباعی آن مستزاد است که در چاپ تهران، به دلایل نامعلوم، جدا از رباعیات در بخش «قطعات و متفرقات» جای گرفته است (ص ۵۲۷، ۵۲۹). با اینکه مأخذ اصلی چاپ ایران، چاپ دکن بوده است، یک رباعی کمتر دارد (۱۰۸ رباعی) و آن رباعی است که به دلیل نقصان دستنویس، در چاپ دکن ناقص نقل شده (ص ۴۲۵) و مصححان چاپ تهران، از خیر آن گذشته‌اند. صورت کامل رباعی مورد اشاره، چنین است (دیوان حسن دهلوی، دستنویس خدابخش، ۳۵۸ ر):

زلف تو که کار بنده نگشاید از او ای دیده دل مرا دمی باید از او

جان می‌دهمت هم به بهای اول بفروش که بوی مشک می‌آید از او

بنا بر آنچه ما از منابع چاپی و خطی جُسته و یافته‌ایم، دیوان حسن دهلوی در بردارنده ۱۶۶ رباعی است. به عبارت دیگر، چاپ‌های دکن و تهران فاقد ۵۷ رباعی از سروده‌های حسن دهلوی است. بیشترین رباعیات از قلم افتاده، مربوط به دستنویس شماره HL.1841 کتابخانه خدابخش است که از نسخه‌های ارزنده دیوان حسن دهلوی محسوب می‌شود و در هیچ کدام از دو چاپ دکن و تهران مورد استفاده قرار نگرفته است. رباعیات حسن دهلوی، در موضوعات مختلفی همچون عشق، عرفان، ارزش‌های اخلاقی و مدح سلاطین و امرای هند سروده شده است. یکی از رباعیات او در گذر زمان به ابوسعید ابوالخیر منسوب شده است:

دارم دلکی غمین، بیامرز و می‌پرس صد واقعه در کمین، بیامرز و می‌پرس

شرمنده شوم اگر بپرسی عملم ای اکرم اکرمین، بیامرز و می‌پرس^۱

رباعیات شهرآشوب دهلوی

تعدادی از رباعیات عاشقانه حسن دهلوی، در وصف پیشه‌وران و صاحبان مشاغل مختلف است که در ادب فارسی به «شهرآشوب» مشهور شده است. شهرآشوب شعری است که «در توصیف

۱. دیوان سید حسن سجری دهلوی، ۴۱۷؛ نفحات الانس، ۶۰۹ (حسن دهلوی)؛ سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، ۵۰.

پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرفت و صنعت ایشان سروده شده باشد.^۱ شعری که در مدح و ذم مردم یک شهر نیز گفته شود، شهرآشوب یا شهرانگیز خوانده شده است. بعضی از محققان کوشیده‌اند میان این دو نوع شعر، تمایز ایجاد کنند. بنابراین، اولی را شهرآشوب صنفی و دومی را شهرآشوب شهری نامیده‌اند.^۲ شاعر در شهرآشوب صنفی، از صاحب هر پیشه، معشوقی ستمگر آفریده و به تناسب ملزومات و ابزار حرفه او، واژگان خود را انتخاب کرده و با بیانی عاشقانه به توصیف شغل او پرداخته است. معشوق در این شعرها، اغلب، پسران جوانی هستند که در مشاغل و اصناف قدیم، مشغول به کار بوده‌اند؛ مانند: پسر قصاب، نانوا و کفشگر. به نظر گلچین معانی، ایجاد مناسبات عاشقانه برای توصیف پیشه‌وران یک شهر، تمهیدی برای تلطیف فضای شعر، روح بخشیدن به ابزارها و اصطلاحات مشاغل و تأثیرگذاری بیشتر در مخاطبان بوده است. وگرنه در هیچ شهری، همه پیشه‌وران واجد چنین صفات عاشقانه‌ای نبوده‌اند و نیستند.^۳ مطالعه شهرآشوب‌های صنفی، علاوه بر ارزش ادبی، از جهت شناخت مشاغل، طبقات اجتماعی مردم و درک مناسبات اجتماعی و فرهنگی موجود در جهان قدیم بسیار سودمند و کارگشاست.

شادروان احمد گلچین معانی در کتاب شهرآشوب در شعر فارسی پس از ذکر یک مقدمه کوتاه در مورد تعریف و سابقه شهرآشوب در زبان فارسی، ترکی و عربی، سیر تاریخی شهرآشوب سرایی را ذکر کرده و نمونه‌هایی از شهرآشوب‌های ادب فارسی را آورده است. گلچین معانی، قدیمی‌ترین نمونه شهرآشوب در زبان فارسی را شهرآشوب‌های مسعود سعد سلمان دانسته که آن‌ها را در قالب ۹۴ قطعه در اوزان متفاوت سروده است.^۴ با توجه به قطعاتی که از کسایی مروزی و فرالابی باقی مانده^۵، سابقه شهرآشوب در شعر فارسی به قرن چهارم می‌رسد.

۱. شهرآشوب در شعر فارسی، ۲.

۲. رک. «شهرآشوب»، نصرتی سیاهمزی، ۲۹. نویسنده، نوع سومی را نیز برای شهرآشوب قائل شده و آن «شهرآشوب درباری» است. سعید شفیعیون، کوشیده است تمایز و تعریف دقیق‌تری برای انواعی همچون کارنامه، اشعار صنفی، شهرانگیز و شهرآشوب قائل شود (رک. «درنگی بر چند گونه همسنگ»، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد این نوع ادبی همچنان نیازمند تعاریف دقیق‌تری است. ما در مقاله خود، بیشتر شهرآشوب صنفی را مد نظر قرار داده‌ایم که پس زمینه عاشقانه دارد و در تعریف شفیعیون، بخشی از آن جزو اشعار صنفی است و بخش دیگر، شهرانگیز محسوب شده است.

۳. شهرآشوب در شعر فارسی، ۳-۴؛ نیز رک. «شهرآشوب»، نصرتی سیاهمزی، ۳۲.

۴. شهرآشوب در شعر فارسی، ۱۴؛ دیوان مسعود سعد سلمان، ۶۵۱-۶۶۷. گلچین معانی تعداد شهرآشوب‌های مسعود سعد را ۹۱ قطعه ذکر کرده است. مسعود سعد، شهرآشوبی در قالب مثنوی نیز دارد.

۵. رک. «انواع شهرآشوب و کهن‌ترین شهرآشوب صنفی»، بتول مهدوی و دیگران، ۵۲-۵۳. ایشان رباعی منسوب به رودکی را قدیمی‌ترین نمونه شعر شهرآشوب دانسته‌اند. با توجه به اینکه رباعی مذکور در دیوان عنصری بلخی هم یافت می‌شود، باید در درستی این ادعا تردید کرد.

زیباترین و نغزترین شهرآشوب‌های زبان فارسی در قالب رباعی سروده شده است و بانو مهستی گنجوی مبدع این نوع شعر در قالب رباعی به شمار آمده است. این ادعا که نخستین بار توسط گلچین معانی مطرح شده و دیگران آن را تکرار کرده‌اند^۱، نیازمند اصلاح و بازنگری است. چرا که در دیوان عنصری بلخی و سنایی غزنوی نیز چند رباعی شهرآشوب دیده می‌شود که بر رباعیات مهستی مقدم است.^۲ اما با توجه به تعداد و کیفیت رباعیات شهرآشوب مهستی، نام این بانو در تاریخ رباعی شهرآشوب پُرآوازه شده است.

حسن دهلوی تعداد زیادی رباعی شهرآشوب دارد که نه احمد گلچین معانی متذکر این رباعیات شده است و نه محققان بعدی به آن‌ها توجهی داشته‌اند. همشهری او امیر خسرو دهلوی (د. ۷۲۵ق) نیز رباعیات شهرآشوب بی‌شماری دارد.^۳ وجود رباعیات شهرآشوب در دیوان این دو شاعر هم عصر، حاکی از آن است که این گونه ادبی در شبه قاره و سرزمین هند، خوانندگان زیادی داشته است. شهرآشوب‌های مسعود سعد سلمان مؤید دیرینگی این نوع شعر در آن دیار است. ما رباعیات شهرآشوب حسن دهلوی را براساس منابع چاپی و خطی اشعار او استخراج کرده‌ایم که در اینجا عرضه می‌شود. منابع ما که در ذیل هر رباعی به آن اشاره شده است، عبارتند از:

چاپی: دیوان حسن سجری دهلوی که به اهتمام مسعودعلی محوی در دکن به چاپ رسیده است. **خدابخش:** مجموعه دواوین شماره HL.1841 کتابخانه خدابخش (واقع در شهر پتنای هند) که در هاشم دیوان امیر خسرو دهلوی کتابت شده و متأسفانه به خاطر افتادگی اوراق پایانی، فاقد رقم کاتب است. به دلیل نوع خط و آرایش نسخه، به نظر می‌رسد کتابت آن در قرن نهم یا حداکثر اوایل قرن دهم صورت گرفته باشد. این نسخه دارای ۱۵۶ رباعی است که در میان همه نسخه‌هایی که من دیده‌ام، دارای بیشترین رباعی است.

خدابخش ۲: در کتابخانه خدابخش دستنویس دیگری از دیوان حسن دهلوی موجود است (شماره HL.329) که محمد حسین کشمیری آن را به خط بسیار خوش در سنه ۱۰۱۰ق به رسم کتابخانه شیخ فرید بخاری کتابت کرده است.

۱. شهرآشوب در شعر فارسی، ۲۷؛ دیوان حکیمه مهستی دبیر، ۴۹-۵۰.

۲. دیوان عنصری بلخی، ۳۱۷ (دیدار به دل فروخت، نفروخت گران). رباعی عنصری به رودکی نیز منسوب است (محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، ۵۱۶). سنایی غزنوی غزلی در وصف پسر قصاب دارد (دیوان حکیم سنایی، ۸۱۶) و چند رباعی در همین موضوع سروده (همان، ۱۱۲۲، ۱۱۳۱) و در غزلی نیز پسر کلاه‌دوز را توصیف کرده است (همان، ۹۴۹، ۱۱۷۴).

۳. رک. شهرآشوب در شعر فارسی، ۳۴-۴۲.

مجلس: دستنویس شماره ۱۴۱۵۷ کتابخانه مجلس که پیرحسین کاتب شیرازی آن را در جمادی الثانی ۹۴۱ ق کتابت کرده است. این نسخه ۱۲۱ رباعی دارد. پیرحسین کاتب، نسخه دیگری از دیوان حسن دهلوی را نیز در ۹۴۳ ق کتابت کرده و که اکنون در کتابخانه سالار جنگ هند نگه‌داری می‌شود و یکی از پنج نسخه مورد استفاده مسعود علی محوی در تصحیح دیوان حسن بوده است.

از ۱۷ رباعی دهلوی که نقل می‌شود، نه رباعی آن در دواوین چاپی حسن دهلوی جایی ندارد. عناوین رباعیات را ما بر حسب موضوع رباعی انتخاب کرده‌ایم.

درزی

درزی بچه گر کس آتش طعنه فروخت وز خامی چند در سخن ما را سوخت
زین غصه چه تیز می‌شوی چون سوزن؟ زنه‌ار دهان خلق را نتوان دوخت!

(خدابخش، ۳۴۶ ر)

بقال

بقال بچه از همه شوخان سنگ است بر وی همه چیز هست، شگر تنگ است
می‌گفت مرا کسی که سنگش قلب است برعکس بُد این حدیث، قلبش سنگ است

(چاپی، ۵۸۶؛ خدابخش، ۳۴۵ ر؛ مجلس، ۲۲۶ پ)

دهقان

دهقان بچه از عشق رخ گلگونت چون خار در آمدم پیرامونت
ای ساکن مهر! چند از این جنگ آخر؟ از سنگ‌دلی دلم تنک بیرونست^۱

(خدابخش، ۳۴۶ ر)

۱. در اصل دستنویس چنین است. نسخه دیگری برای اصلاح مصراع آخر یافت نشد. اجزای رباعی در یک رباعی دیگر حسن دهلوی دیده می‌شود: ای ساکن مهر! چند از این جنگ آخر/ از سنگ‌دلیت دل نشد تنگ آخر/ از مهر هزار سنگ بیش آمد و آه/ یک مهر چرا نامد از آن سنگ آخر؟ (خدابخش، ۳۵۲ ر). یک احتمال این است که هر دو رباعی، اشاره به یک موضوع دارد. احتمال دیگر آن است که کاتب، اجزای رباعی اخیر را اشتباهاً به جای بیت دوم رباعی متن کتابت کرده و باعث نامفهوم شدن آن شده است.

کشتی‌گیر

مفرد بچه روی در سفر می‌دارد چندین دل و جان زیر و زبر می‌دارد
بر می‌دارد دل از همه، چتوان کرد؟ کشتی‌گیر است، سنگ بر می‌دارد!^۱

(چاپی، ۵۹۱؛ خدابخش، ۳۵۱؛ مجلس، ۲۲۶پ)

عامل

عامل بچه در عشوه نداری انباز تو سیم‌بری، من از مژه سیم انداز
سیم مژه نجم نجم پیش تو کشم بشنو سخن نجم، بدین نجم بساز^۲

(خدابخش، ۳۵۳)

آهنگر

هر صبح‌دمی واقعه ما بنگر از آتش عشق سوخته جان و جگر
آهن صفتم در غم آن آهنگر با سوختگی، کوفتگی‌های دگر!^۳

(چاپی، ۴۱۹؛ خدابخش، ۳۵۲؛ مجلس، ۲۲۵پ)

دورنویس

آن دوز نویس کودک پُر تلبیس هرچند که نفس اوست چون دُر نفیس
بنوشت خطی که دور شد بر رخ او هست این همه فریاد من از دوز نویس^۴

(چاپی، ۴۳۱؛ خدابخش، ۳۵۳؛ مجلس، ۲۲۸ر)

۱. ردیف رباعی در چاپی «می‌آزد» است که خطاست.

۲. نجم‌الدین لقب شاعر است و عبارت «بشنو سخن نجم» بدان اشارت دارد. «نجم نجم» در مصراع سوم به معنی «قسط به قسط» است. «نجم» همچنین نوعی مروارید خوشاب است (رک. لغت‌نامه، ۱۴: ۲۲۳۵۴). شاعر در مصراع چهارم معنای اخیر را در نظر داشته و «بدین نجم بساز» استعاره از اشک است.

۳. مصراع چهارم در چاپی و مجلس چنین است: «با سوختگی، کوفتگی‌ها بر سر». بر سر اگرچه به نظر فصیح‌تر می‌رسد، ولی ضبط خدابخش به دلیل اهتمام شاعر در رعایت هم‌آوایی «گر» در قوافی، ارجح است.

۴. به قرینه «دُوز» در مصراع سوم، حدس من این است که این فرد «دوز نویس» باید باشد. اما در مورد شغل او و چند و چون کارش اطلاعاتی به دست نیفتاد و از فرهنگ‌های لغت نیز چیزی دستگیر من نشد. برهان تبریزی، یکی از معانی «دوز» را چنین نوشته است: «جاسوسانی که اخبار امرا و اعیان را تحقیق نموده به سلاطین و پادشاهان نویسند» (برهان قاطع، ۲: ۸۹۴). به قرینه این معنا، دورنویس را شاید بتوان خفیه‌نویس و جاسوس دانست. ضبط رباعی بر مبنای دستنویس خدابخش است.

منجم

دیروز منجم بچه در اوج جمال تقویم به دست داشت حکم مه و سال
دیدم بگزیده لب چون ماه نوش گفتم که ز چیست؟ گفت: نقصان هلال
(خدابخش، ۳۵۵ ر)

درزی

درزی بچه زنهار که از بی‌هنری یکتای مرا چو پرده خود نداری
یک گز چو همی‌بری ز یکتایی من می‌ترسم از آنکه کله روزی ببری^۱
(خدابخش، ۳۵۹ پ؛ خدابخش، ۲، ۲۷۹ پ)

بازرگان

دل بسته‌ای و بوسه نفروخته‌ای سودازدگان خویش را سوخته‌ای
داد و ستد است کار بازرگانان آخر ز پدر هیچ نیاموخته‌ای^۲
(چاپی، ۴۲۱؛ خدابخش، ۳۵۸ ر؛ مجلس، ۲۲۷ ر)

ایضاً

داری خط و لب از کرم یزدانی چون لعل تر و زمرد ریحانی
ما را به یکی بوسه چه می‌رنجانی آخر پسر خواجه بازرگانی
(چاپی، ۴۲۱؛ خدابخش، ۳۵۹ پ؛ مجلس، ۲۲۸ پ)

این چند رباعی را می‌توان از گونه رباعیات شهر آشوب شهری به حساب آورد:

اهل ملتان

ملتانیکی شوخ نه حلمش نه حیا با ماش همه وعده و آن وعده ریا
گفتم که من آیم بر تو یا دگری با من به زبان خویشان گفت بیا
(خدابخش، ۳۴۴ ر؛ خدابخش، ۲، ۲۷۹ پ)

۱. در اصل نسخه چنین است. به روایت برهان تبریزی، «هر مرتبه‌ای که سوزن را بر جامه فرو برند، کَلَه گویند، و فرو بردن و برآوردن در جماع را هم می‌گویند، و بخیه کردن خیاطان جامه را» (برهان قاطع، ۳: ۱۶۸۴).
۲. در دیوان عضد (ص ۲۵۶) نیز جای دارد.

لولی بچه

هر کس به هوای خویش کشتی پرداخت لولی بچه هم تخم امیدی انداخت
لوله بچه را ز عاقبت پرسیدم گفتا که می‌رس، کشت کردیم نساخت^۱
(خدابخش ۲، ۲۸۱ر)

خانقاهی

آن شوخ چو در راه ریاضت بشتافت یک باره عنان ز نامرادان برتافت
گفتم که یکی بوسه به درویشان بخش چندان که نفس زدیم، توفیق نیافت
(چاپی، ۴۳۲؛ خدابخش، ۳۴۴پ؛ مجلس، ۲۲۸پ)

تیرانداز

ای ترک اگر مرا اسیر تو کنند پایت بوسم چو دستگیر تو کنند
جانم هدف ناوک مژگانت ساز آن روز که امتحان تیر تو کنند
(چاپی، ۴۲۱؛ خدابخش، ۳۴۸پ؛ مجلس، ۲۲۸پ)

اهل مهر

ای ساکن مهر! چند از این جنگ آخر از سنگدلیت دل نشد تنگ آخر
از مهر هزار سنگ بیش آمد و آه یک مهر چرا نامد از آن سنگ آخر
(خدابخش، ۳۵۲ر؛ خدابخش ۲، ۲۷۸پ)

شطرنج باز

زین سان که طبیعت روان است قوی من نگذارم که باز در خانه شوی
نیکو دانی تو شیوه‌های شطرنج می‌پسند که خانه بر کنی، باز روی
(خدابخش، ۳۵۹پ)

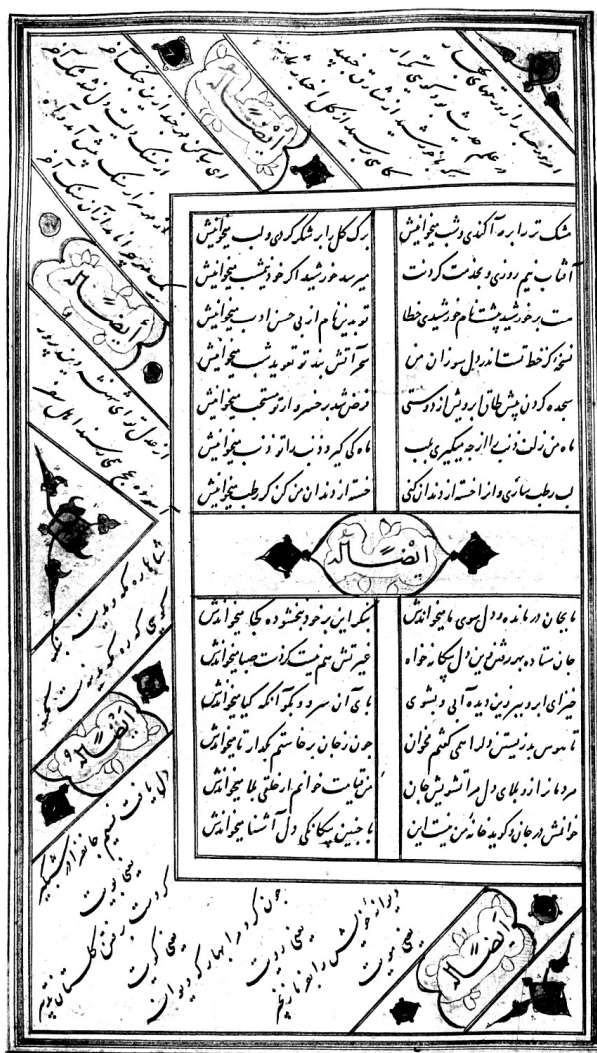
۱. کشت کردن، علاوه بر معنای رایجش که به معنی کاشتن است، به معنی نزدیکی کردن هم هست (رک. فرهنگ بزرگ سخن، ۵۸۲۵:۶).

فهرست منابع

- «انواع شهرآشوب و کهن‌ترین شهرآشوب صنفی»، بتول مهدوی، محمد بهنام‌فر، مصطفی شمس‌الدینی، فنون ادبی، شماره ۱۴، بهار ۱۳۹۵، ۴۵-۵۶
- برهان قاطع، محمد حسین بن خلف تبریزی، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم: ۱۳۶۲، ج ۵
- «درنگی بر چند گونه هم‌سنگ؛ کارنامه و شهرآشوب، اشعار صنفی و شهرانگیز»، سعید شفیعیون، نقد ادبی، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۴، ۸۴-۱۲۲
- دیوان حسن سجری دهلوی، به اهتمام مسعود علی محوی، حیدرآباد دکن، مکتبه ابراهیمیه مشین پریس، ۱۳۵۲ق
- دیوان حسن دهلوی، به اهتمام سیداحمد بهشتی شیرازی و حمیدرضا قلیچ‌خانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳
- _____، دستنویس شماره HL.329 کتابخانه خدابخش، کتابت محمد حسین کشمیری، سنه ۱۰۱۰ ق، ۳۰۰ برگ
- _____، دستنویس شماره ۱۴۱۵۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نستعلیق پیرحسین کاتب شیرازی، جمادی‌الثانی سنه ۹۴۱ ق، ۲۳۲ برگ
- دیوان حکیم سنایی غزنوی، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ سوم: ۱۳۶۴
- دیوان عنصری بلخی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ دوم: ۱۳۶۳
- دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح محمد مهیار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰
- رباعیات حکیمه مهستی دبیر، جمع و تدوین احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۷۱
- سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، به اهتمام سعید نفیسی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ سوم: بی‌تا
- «شهرآشوب»، علی نصرتی سیاهمزیگی، نامه فرهنگستان، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۶، ۲۸-۳۳
- شهرآشوب در شعر فارسی، تحریر ثانی، احمد گلچین معانی، به کوشش پرویز گلچین معانی، تهران، نشر روایت، ۱۳۸۰
- فرهنگ بزرگ سخن، به سرپرستی حسن انوری، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم: ۱۳۸۲، ج ۸
- کتاب‌شناسی آثار فارسی چاپ شده در شبه قاره، عارف نوشاهی، تهران، نشر میراث مکتوب، ج ۱ تا ۴: ۱۳۹۱؛ ج ۵ تا ۷: ۱۴۰۳
- لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه دهخدا، دوره جدید، چاپ دوم: ۱۳۷۷، ج ۱۵
- مجموعه دواوین، دستنویس شماره HL.1841 کتابخانه خدابخش، شامل دیوان امیرخسرو دهلوی در متن و دواوین حسن دهلوی (از برگ ۹۴ تا ۳۶۰ پ) و حافظ در هاشم، بدون رقم، نستعلیق سده نهم ق، ۵۶۴ برگ

محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم: ۱۳۸۲
نفحات الأنس من حضرات القدس، نورالدین عبدالرحمان جامی، تصحیح محمود عابدی، تهران،
انتشارات اطلاعات، ۱۳۷

۳۵۲

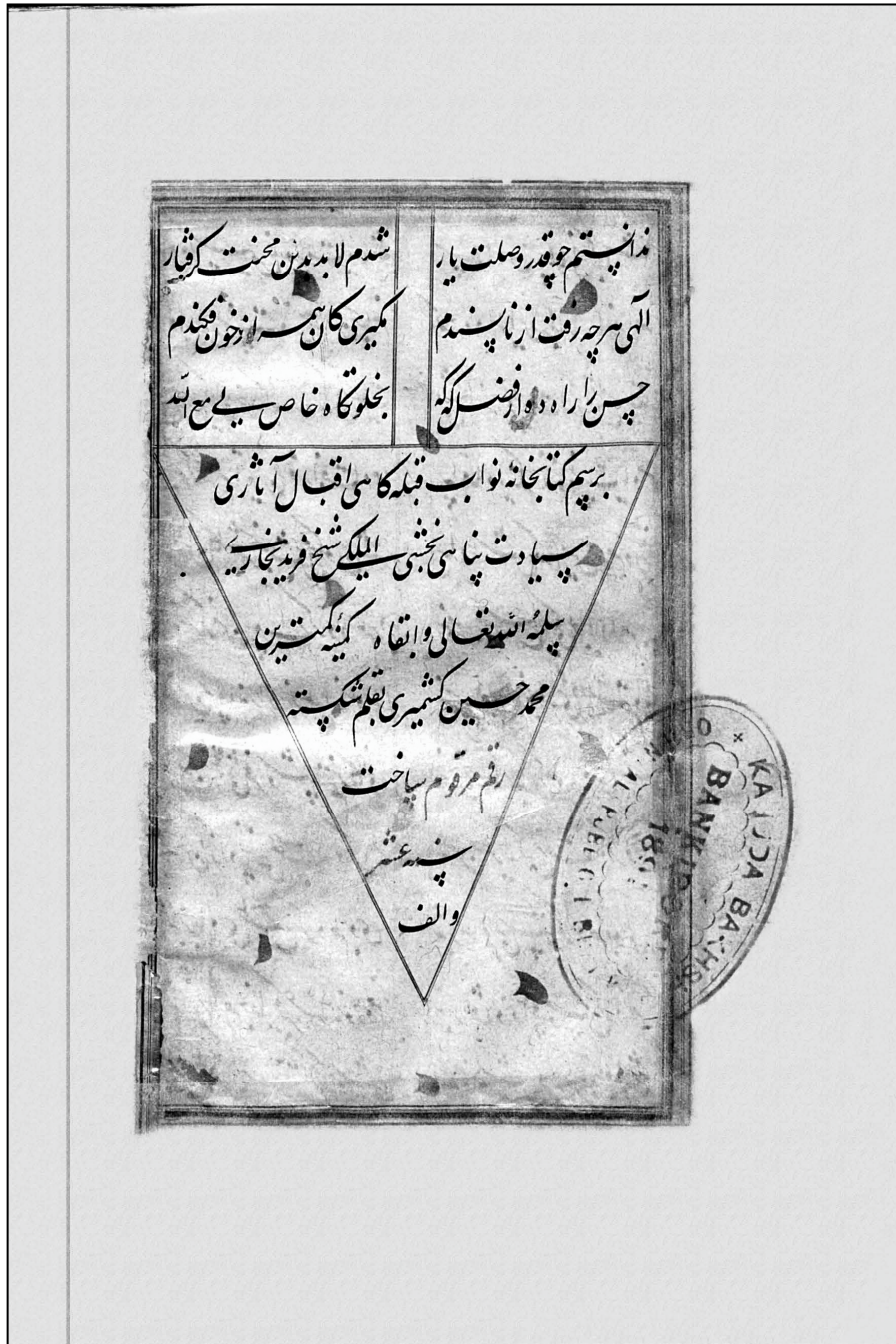


۷۷

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴



۷۸

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴